



## حقوق بنیادین زندانی در پرتو اسناد فراملی اروپایی

محمد بقایی<sup>۱</sup>

محمود مالمیر<sup>۲</sup>

مسعود حیدری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۶/۱۱

### چکیده

کرامت و ارزش بالای انسان به عنوان مهم‌ترین ارزش حیات آدمی در همه ابعاد زندگی وی رسوخ کرده است. حیثیت حقی بنیادین برای انسان رها از فشار و آزاد، محسوب می‌شود؛ اما انسان دربند و زندانی نیز باید از حقوق اولیه و بنیادین برخوردار گردد. در نظام حقوق داخلی، ارزش‌هایی تحت عنوان حقوق بنیادین، به نظام حقوق بین‌الملل راه یافته و همچنین امروزه اساسی سازی حقوقی، مولد و بنیانگذار فرآیندی شده که نرُم‌های فراملی جهانی و منطقه‌ای به حقوق داخلی راه یافته‌اند. حقوق بنیادین زندانی یکی از این مقوله‌هاست که در سطح منطقه‌ای، هنجارسازی شده و نظام‌های حقوق داخلی را به تبعیت از خود وادار ساخته است. شناسایی حقوق مذکور و اعمال شیوه‌های پیش‌بینی شده برای ارتقاء آن، موضوعی است که در سال‌های اخیر، شورای اروپا بدان توجه ویژه داشته است. همچنین کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در بندهای مختلف مراحل پیش دادرسی، دادرسی و پس از آن یعنی اعمال حق حبس، حداقل استانداردهایی را برای رفتار با زندانی در نظر داشته که کشورهای عضو نیز از آن تبعیت نموده‌اند. در این پژوهش نگارنده، با تکیه بر حقوق بنیادین زندانی مندرج در مجموعه قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان، به شیوه توصیفی تحلیلی، به نحوه انعکاس حقوق مزبور در اسناد فراملی اروپایی پرداخته است.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. [baghai.m@yahoo.com](mailto:baghai.m@yahoo.com)

<sup>۲</sup> دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. (استاد راهنما و نویسنده مسئول). [Dr.malmir1@gmail.com](mailto:Dr.malmir1@gmail.com)

<sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. [masoud\\_heidari2@yahoo.com](mailto:masoud_heidari2@yahoo.com)

## کلید واژه‌ها

حقوق بنیادین، زندان، مجموعه قواعد حداقل، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دیوان اروپایی.

## مقدمه

مجموعه حقوقی که تضمین کننده امنیت و سلامت فردی و ضامن وجود و ارتقاء کرامت انسانی در نظام حقوقی عصر حاضر است، تحت عنوان حقوق بنیادین یاد می‌شود. حقوق بنیادین در حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی بشر راه یافته و تحت سیطره دیدگاه کرامت‌مدار، به آدمی به ماهو انسان نگریسته می‌شود. فارغ از تمایزات ذاتی و اکتسابی میان انسان‌ها، باید از حقوق حداقلی آن‌ها توسط نظام حقوقی و سیاسی حمایت لازم به عمل آید. اگرچه آزادی، به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق انسانی، در معاهدات بین‌المللی، مطرح بوده و توقیف، دستگیری و زندانی کردن افراد، به صورت استثناء مسبوق به قوانین و مقررات مطرح است و در صورت زندانی شدن فرد، باید تمامی حقوقی انسانی وی رعایت شود.<sup>۱</sup> (دارابی پناه، ۱۳۹۱: ۶۰) لیکن به دلایل مختلف و به ویژه به عنوان مجازات رفتارهای جرم‌انگاری شده، ممکن است فرد یا افرادی به تحمل زندان محکوم شوند. به هر روی در دوران محکومیت به حبس، افراد از حقوقی برخوردارند و باید حمایت‌های در خور قانونی از آنان به عمل آید. در اواخر قرن هیجدهم و در پی تحولات عظیم در زمینه‌های مختلف، استفاده از حبس بسیار متداول گردید و اندیشمندان حقوق بر استفاده از حبس تأکید نموده و در راستای کاهش استفاده از کیفرهای بدنی تلاش می‌نمودند؛ ولی به‌زودی، ناکارآمدی سیستم حبس بر همگان آشکار شد. بخش زیادی از زندانیان سابقه‌دار بودند؛ حبس، آرمان اصلاح و بازپروری مجرمین را تأمین نمی‌کرد؛ زندانها به مدرسه بزهکاری تبدیل گشته بودند؛ بسیاری از مجرمین، تحت تأثیر محیط زندان، به مجرمین حرفه‌ای مبدل می‌شدند و عملاً زندان در رسیدن به اهداف خویش ناموفق بود. پس از پیدایش حقوق بشر در دوران معاصر و با تصویب و گسترش اسناد منطقه‌ای و جهانی در حوزه‌های مختلف، در رابطه با حقوق زندانی نیز قواعدی به تصویب رسید. آثار حقوق بنیادین بر حقوق کیفری و به‌تبع آن بر

<sup>۱</sup> پس از جنگ جهانی دوم، حق آزادی که پس از حق حیات، اساسی‌ترین حق بشر محسوب می‌شد، جایگاه خود را پیدا کرد و بر همین مبنا چارچوب روابط قوای حاکم بر شهروندان بازتعریف شد، حقوق شهروندی گسترش یافت و این مسأله موجب فزونی تکالیف حکمرانان شد. محور قرار گرفتن حقوق اساسی شهروندان به‌ویژه آزادی، سلب آزادی از افراد را به‌عنوان یک استثناء کاملاً محدود مطرح کرد و گستردگی استفاده از حبس و بازداشت موقت را زیر سؤال برد و سلب آزادی تنها برای موارد مهم و خطرناک، مجاز شمرده می‌شد. از این جهت، به لحاظ نظری، مشروعیت کاربرد حبس در شکل جاری آن دچار تردید شد و کمتر کسی می‌پذیرفت که از تمام مجرمان سلب آزادی شود. (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۸۶: ۳۱)

حقوق زندانی، از زمان اجرایی شدن قوانین اساسی اروپایی و انعقاد معاهدات بین‌المللی حقوق بشر بعد از پایان جنگ جهانی دوم، موضوع مباحث دانشگاهی بیشماری بوده است. در یک دوره زمانی نسبتاً کوتاه، چندین سند بین‌المللی و منطقه‌ای مهم با موضوع حقوق بنیادین تدوین شدند که از جمله آنها می‌توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۱۹۵۰)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۱) و منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپایی (۲۰۰۰) اشاره نمود. در زمینه حقوق بنیادین زندانی به طور خاص نیز می‌توان از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای چون مجموعه قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان (۱۹۵۷)، مجموعه اصول حمایت از کلیه افراد تحت بازداشت یا حبس (۱۹۸۸)، اصول پایه برای رفتار با زندانیان (۱۹۹۰)، مجموعه قواعد سازمان ملل متحد در مورد حمایت از نوجوانان محروم از آزادی (۱۹۹۰) و مقررات اروپایی زندان (۲۰۰۶)، نام برد. این اسناد، به ویژه اسناد مصوب نهادهای اروپایی حقوق بشر، تأثیر به‌سزایی در تحول حقوق بنیادین زندانی داشتند. در این مقاله، نگارنده، طی چندین گفتار، درصدد تبیین اهم حقوق بنیادین زندانی، با تأکید بر مجموعه قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان (به عنوان بنیادی‌ترین سند مصوب بین‌المللی در ارتباط با حقوق زندانیان) و نحوه انعکاس آن در اسناد فراملی و منطقه‌ای اروپایی و نیز رویه دیوان اروپایی حقوق بشر می‌باشد.

## ۱- حق حیات

حق حیات اساسی‌ترین یا عالی‌ترین حقوق کلیه انسانها از جمله زندانیان تلقی می‌شود؛ زیرا بدون تضمین مؤثر حق مذکور، تمام حقوق دیگر انسان و زندانی نیز فاقد معنی خواهند بود. (آلتن، ۱۳۸۵: ۶۹) به همین دلیل، حق حیات، از جانب کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، «حق برتر» خوانده شده است. (مظاهری، ۱۳۸۴: ۴۴) و آن را «هسته تحلیل‌ناپذیر حقوق بشر» نیز قلمداد نموده‌اند. (وکیل، ۱۳۹۰: ۲۶۶) از آنجایی که بر حق حیات و احترام به آن، در اسناد متعدد بین‌المللی، به صراحت تأکید شده است، سلب این حقوق که منجر به ناممکن بودن بهره‌برداری از سایر حقوق نیز می‌شود، ممنوع و فاقد اعتبار حقوقی است. (محمدی‌الموتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۲) به موجب ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هرکس، حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد». میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق حیات را از حقوق ذاتی شخص

انسان دانسته و در ماده ۶، به تفصیل، از آن سخن گفته است. در ماده ۶ کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک (۱۹۸۹) نیز، حق حیات، با تعهد صریح دولت‌ها به تضمین بقاء و رشد کودک تا حد اعلا‌ی خود تکمیل گردیده است. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸)، به منظور حمایت از حق حیات، قتل و نابودی را در صورتی که به‌عنوان بخشی از حمله گسترده یا نمادین علیه هریک از افراد غیرنظامی باشد، به عنوان جنایت علیه بشریت ذکر کرده است. علاوه بر این، مرتکبین کشتار دسته‌جمعی (ژنوساید)، که هدف از آن کشتار و نابودی نظام‌مند یک گروه نژادی یا مذهبی می‌باشد و ایجادکننده هولناک‌ترین نقض حق حیات است، مورد پیگرد کیفری فردی اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرند. (پارتمونت، ۲۰۰۵: ۵۶) در زمینه حقوق زندانیان، به طور خاص اصل ۲۲ از مجموعه اصول حمایت از کلیه افراد تحت بازداشت یا حبس (۱۹۸۸)، ضرورت حفظ حیات زندانیان را از جنبه دیگری مورد تأکید قرار داده و مقرر می‌دارد: «هیچ فرد در بازداشت یا زندان نباید، حتی با رضایت خویش، مورد آزمایش‌های پزشکی یا علمی که به سلامت وی آسیب می‌زند، قرار بگیرد».

در اسناد اروپایی، جمله نخست ماده (۱) ۲ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۱۹۵۰) با این بیان که: «حق حیات کلیه افراد، باید توسط قانون، مورد حمایت قرار گیرد...» تعهد به حمایت از حق حیات کلیه افراد از جمله زندانیان، توسط قانون را صریحاً مورد تأکید قرار داده است؛ بدین ترتیب کشورها باید به شکلی مؤثر، قوانینی را اجرا نمایند که کشتن زندانیان مانند قتل نفس را جرم‌انگاری نماید. یک کشور در صورتی که در جرم‌انگاری و اجرای قانون در حوزه اشکال مشخصی از قتل (به ویژه قتل عمد) ناکام باشد، این تعهد مثبت را نقض کرده است. اگر چنین وضعیتی، مسبب شکل‌گیری جرائم خشونت‌آمیز و ایجاد وضعیت ناامن گردد، حق امنیت شخصی نقض گردیده و زندانیانی که زندگی آنها، تحت خطر شدید یا تهدید مرگ قرار دارد، حق مطالبه حمایت ویژه از جانب کشور را خواهند داشت.

از نظر ماده ۲ کنوانسیون - که منشأ اصلی الهام ماده ۲ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپایی (۲۰۰۰) می‌باشد - مانند ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق حیات در صدر فهرست حقوق فردی انسانی قرار دارد. ماده ۳، حق حیات را در کنار حق بر آزادی و امنیت شخصی، ممنوعیت برده داری، ممنوعیت شکنجه و حق به رسمیت شناختن شخص در همه جا در برابر قانون، ذکر نموده است؛ بنابراین حق حیات، از نظر کنوانسیون، از جمله حقوق غیرقابل تعلیق می‌باشد. تنها استثنای حق مزبور در ماده (۲) ۱۵، در مورد مرگ‌های ناشی از اعمال قانونی و یا پس از صدور حکم قطعی می‌باشد که نمونه بارز آن، کشتارهای عمدی توسط پلیس، در برابر

خسونت غیرقانونی است؛ مانند آزادسازی گروگان‌هایی که زندگی‌شان در معرض خطر شدید می‌باشد و نیز استفاده از سلاح گرم به قصد اجرای بازداشت قانونی یا جلوگیری از فرار شخص بازداشت‌شده یا زندانی فقط در مورد افراد بسیار خطرناک و ... در بیشتر مواردی که دیوان اروپایی حقوق بشر، به نقض حق حیات رأی داده، موضوع به کشتارها و ناپدید شدن‌های اجباری توسط نیروهای امنیتی ترکیه در مقابل مردم گُرد و اعضای مشکوک حزب کارگران کردستان مربوط می‌شوند. طبق اعلامیه سازمان ملل در خصوص محافظت از اشخاص در برابر ناپدید شدن‌های اجباری، ناپدید کردن اجباری زندانیان، حق حیات را نقض کرده یا دست کم خطری جدی برای آنها به وجود می‌آورد. (روک، ۲۰۰۹: ۷۳)

علاوه بر این، در زمان جنگ یا سایر حالت‌های فوق‌العاده‌ی عمومی تهدیدکننده‌ی جان آحاد ملت نیز، هریک از دول عضو می‌توانند تا زمانی که شرایط فوق‌العاده وجود دارد، اقداماتی انجام دهند که ناقض تعهدات کشور مذکور از کنوانسیون باشد؛ لیکن این اقدامات نباید مغایر با سایر تعهدات کشور مذکور از نظر قوانین بین‌المللی مربوطه باشد. (ماده (۱) ۱۵) و کشوری که بخواهند از حق عدول فوق، استفاده کند، بایستی شرح اقدامات صورت گرفته و دلایل آن را به طور کامل به اطلاع دبیر کل شورای اروپا برساند. کشور مزبور همچنین، باید دبیر کل شورای اروپا را از زمان توقف اقدامات مذکور و اجرای دوباره و کامل مفاد کنوانسیون مطلع کند. (ماده (۳) ۱۵) هرچند که صرف اطلاع، نافی مسئولیت دولت عضو نخواهد بود؛ به‌عنوان مثال در پرونده‌ی مک‌کان (که مشکوک به طرح یک حمله تروریستی در جبل الطارق بود) در مقابل انگلستان<sup>۱</sup> که به کشته شدن سه تن از اعضای ارتش جمهوری خواه ایرلند<sup>۲</sup> توسط نیروهای امنیتی انگلستان مربوط می‌شد، دادگاه بر این اساس که دولت انگلستان در ارزیابی موقعیت دچار اشتباه شده و به سربازان خود برای آماده‌سازی اقداماتشان، اطلاعات ناقص داده است، نقض ماده ۲ را تشخیص داد.

مهم‌ترین تعبیر از حق حیات، مطابق با حق بر کرامت انسانی زندانی را میتوان در ممنوعیت صریح مجازات<sup>۳</sup> مرگ در بند ۲ ماده ۲ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپایی حقوق بشر یافت. از

<sup>۱</sup> McCann v UK.

<sup>۲</sup> IRA.

<sup>۳</sup> منع مجازات اعدام، برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا، قطعیت داشته و هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح اجرا می‌شود. (پارتمون، ۲۰۰۵: ۴۹) دیوان اروپایی حقوق بشر، در یک پرونده (سوئرینگ در مقابل انگلستان)، رسماً اعلام نمود که برخی مؤلفه‌های اعدام در ایالات متحده، به مثابه نقض ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و حمایت از آزادی‌های اساسی می‌باشد؛

آنجایی که تبصره‌های مشابهی در مورد حق حیات در سایر اسناد حقوق بشر، کمابیش دربردارنده استثنائات زیادی است (که ممکن است طبق آنها، مجازات مرگ، تحمیل و اجرا شود و مباحث بسیاری را در ادبیات و حقوق‌شناسی مربوط به چگونگی قبول اعدام «قانونی» زندانیان با منع مطلق شکنجه، رفتار غیرانسانی و ترذیلی و تنبیه به وجود آورده است)، به نظر می‌رسد که ماده ۲ مزبور، در این مورد، نسبتاً روشن باشد.

به موجب (۳) ۵۲ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپایی: «چنانچه حقوق مندرج در این منشور، مشابه با حقوقی باشد که به وسیله کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تضمین گردیده، مفهوم و قلمرو این دسته از حقوق باید به همان صورتی باشد که در کنوانسیون مقرر است. این ماده نباید مانع حمایت گسترده‌تر اتحادیه اروپایی از این حقوق باشد». به نظر می‌رسد منظور ماده فوق، تضمین ضرورت سازگاری بین منشور و کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌باشد؛ چرا که منشور، دربردارنده حقوقی برای زندانیان است که مطابق با حقوق تضمین‌شده توسط کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و حمایت از آزادی‌های اساسی می‌باشند. البته نحوه بیان ماده مزبور، ابهاماتی را در مورد زندانیان به وجود می‌آورد.

در صورت مقایسه ساده ماده ۲ منشور با بندهای ماده (۲) ۲ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، می‌توان این مهم را دریافت که بند ۱ (درخصوص دفاع در مقابل خشونت غیرقانونی) دربردارنده یک اختیار تام و تقریباً نامحدود برای تحمیل و اجرای مجازات مرگ برای زندانی است، و بند ۲ (درخصوص اقدام به بازداشت قانونی افراد یا جلوگیری از فرار شخصی که با قرار قانونی زندانی شده است) نیز صلاحیت نسبتاً گسترده‌ای را برای مقامات اجرای قانون در راستای کشتن انسان‌ها و به خصوص زندانیان در نظر گرفته است. ممکن است این پرسش پیش بیاید که می‌توان این دو بند را مطابق باهم در نظر گرفت یا خیر؟ کارهای مقدماتی<sup>۱</sup> و توضیحات هیأت رئیسه، تنها تا حدودی موضوع را تبیین می‌کنند؛ مثلاً توضیح می‌دهند که ارجاع به کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، شامل کنوانسیون و پروتکل‌های آن گردیده و معنا و دامنه «حقوق تضمین‌شده» نه تنها به وسیله متن آن اسناد،

اما هیچگاه تشخیص نداد که تحمیل یا اجرای مجازات اعدام، به مثابه مجازات غیرانسانی است. در پرونده رهبر سابق حزب کارگران کردستان (عبدالله اوچالان) در مقابل ترکیه نیز که برای اولین بار، مجازات اعدام برای یکی از کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، در نظر گرفته شد، دیوان به این نتیجه رسید که: «می‌توان گفت که مجازات اعدام در زمان صلح، به شکل مجازاتی غیر قابل قبول، اگر نه غیرانسانی، درآمده که با ماده ۲ منطبق نیست.» (همان: ۵۶)

<sup>۱</sup> The travaux préparatoires.

بلکه به وسیله قانون موضوعه دیوان اروپایی حقوق بشر و به وسیله دادگاه اروپایی تعیین می‌شوند. این امر، می‌تواند به روشن ساختن محدوده صلاحیت مقامات مجری قانون و تعهدات مثبت کشورها در راستای تضمین حق حیات افراد (بالاخص زندانیان) از طریق وضع قوانین کمک کند.

## ۲- حق کرامت انسانی

کرامت در لغت فارسی به معانی ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، پاک‌بودن از آلودگی‌ها و فرومایگی، احسان و بخشش، جوانمردی و سخاوت به کار رفته است (معین، ۱۳۷۹: ۱۴۵۹). در زبان انگلیسی، معادل واژه کرامت انسانی «human dignity» به کار رفته که به معنای وضعیت یا موقعیتی می‌باشد که به‌واسطه آن، فرد، درخور احترام و افتخار است.<sup>۱</sup>

در قلمرو حقوق، فلسفه و اخلاق نیز اصطلاح کرامت انسانی، از موضوعات اساسی مرتبط با امتیازات و تکالیف انسانی به شمار می‌رود. در ابعاد مختلف، کرامت انسانی به‌عنوان گفتمان مرسوم در عصر حاضر بدل شده است. (راعی، ۱۳۹۳: ۲۲) کرامت انسانی، نه تنها به‌منزله حق یا مجموعه‌ای از حقوق غیرقابل سلب و غیرقابل انتقال می‌باشد، بلکه محور و مبنای حقوق بشر در حمایت از آدمی و همچنین تشکیل دولت محسوب می‌شود. (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۱۴)

حق کرامت انسانی در اسناد حقوق بشری متعدد که در سطوح مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای به تصویب رسیده‌اند، مورد تصریح قرار گرفته است. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان، اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد ... مجمع عمومی، این اعلامیه جهانی حقوق بشر را، آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع، این اعلامیه را دائماً مدنظر داشته باشند». در مقدمه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «دول طرف این میثاق با توجه به اینکه بر اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده است شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیر قابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشر مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است با اذعان به اینکه حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است». علاوه بر این مادتين ۶، ۱۰، ۱۷ و ۱۹ میثاق نیز به این امر تصریح نموده است. از دیگر اسناد مهم بین‌المللی که تصریح به حق کرامت انسانی داشته‌اند میتوان به مقدمه کنوانسیون بین‌المللی رفع هر گونه تبعیض نژادی (۱۹۶۵)، مقدمه کنوانسیون

محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)، اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص محو کلیه اشکال خشونت علیه زنان (۱۹۷۹)، مقدمه و ماده ۳ اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره محو کلیه اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد (۱۹۸۱)، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی یا تحقیر کننده (۱۹۸۴)، اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین (۱۹۹۳)، اعلامیه بین‌المللی داده‌های ژنتیک انسانی (۲۰۰۳) و ... اشاره نمود.

در مورد زندانیان، مجموعه قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، در چندین مورد، به طور صریح و مصداقی، بر حق کرامت فرد زندانی (اعم از محکوم و بازداشتی) تأکید نموده است؛ از نظر قواعد مزبور، نظام زندان، بایستی تلاش نماید تفاوت‌های میان زندگی در داخل و خارج از زندان که موجب کاهش احترام به شخصیت مجرم است را تقلیل دهد (ماده (۱) (۶۱) همچنین ماهیت رفتار با زندانی باید به گونه‌ای باشد که عزت نفس را در او تقویت کند. (قسمت ذیل ماده ۶۵)، بدین ترتیب برای مهار کردن زندانی، نباید از غل و زنجیر استفاده شود (ماده ۳۳). علاوه بر قواعد گفته شده، به موجب ماده ۱ اصول پایه برای رفتار با زندانیان: «با کلیه زندانیان، باید با احترام به کرامت و ارزش ذاتی شان به عنوان انسان رفتار شود». ماده ۱ مجموعه اصول حمایت از کلیه افراد تحت بازداشت یا حبس نیز در همین راستا، مقرر می‌دارد: «با کلیه افرادی که تحت هرگونه بازداشت یا حبس قرار دارند، باید به شیوه‌ای انسانی و با احترام به کرامت ذاتی آنها به عنوان افراد انسانی، رفتار شود». حق کرامت زندانی در اسناد منطقه‌ای نیز مورد توجه واقع گردیده که از آن جمله می‌توان به ماده (۲) ۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و نیز ماده ۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها اشاره نمود.

در سطح اتحادیه اروپا، اگرچه کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و پروتکل‌های الحاقی آن، دربردارنده هیچ قاعده‌ای در مورد کرامت انسانی زندانی نیست؛ لیکن در مقدمه این سند، به اعلامیه سازمان ملل متحد (۱۹۴۸) در این خصوص ارجاع داده شده است. (موریس، ۱۳۹۰: ۸۳) علاوه بر این، در فهرست حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، حقوقی چون حفاظت از حریم شخصی (ماده ۸) و منع شکنجه (ماده ۳) و در نهایت تمام حقوق بشری، بر مبنای مسئله حمایت از کرامت انسانی در مورد زندانیان تضمین شده‌اند. بدین ترتیب مبرهن است که کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، بر مبنای حمایت از کرامت انسانی در مورد زندانیان به وجود آمده است. علاوه بر کنوانسیون گفته شده، منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپایی (۲۰۰۰)، ضمن توجه بارز به کرامت انسانی، مصادیقی شایان توجه را در قوانین



اساسی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، قوانین اروپایی و اسناد بین‌المللی به وجود آورده (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۴: ۴۹) و به نحوی بارز، گام خود را از قوانین کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، فراتر گذارده است.

منشور، حقوق بنیادین را در فصل نخست، تحت عنوان «کرامت» جای داده است که با کرامت شخص انسان (به طور عام) و شخص زندانی (به طور خاص) (ماده ۱)<sup>۱</sup> شروع شده و با حق حیات (ماده ۲)، حق تمامیت فردی (ماده ۳)، ممنوعیت شکنجه، مجازاتها و رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز (ماده ۴) ادامه داشته و در نهایت به منع بردگی و کار اجباری (ماده ۵) می‌رسد. بنابراین، کرامت انسانی، از همان ابتدا، نقش راهنما را در منشور، ایفا می‌کند؛ چرا که کرامت انسانی، در ماده ۱، تنها موضوع مطروحه بوده و به حقوق دیگر که می‌توانند موضع مطلق آن را تضعیف کند، وابسته نیست. علاوه بر این، در ماده ۱، از سایر حقوق بنیادین نام برده نشده و آنها را می‌توان در مواد بعدی، مشاهده کرد. (هین ون، ۲۰۰۷: ۱۳۹) این ترتیب و ساختار شکلی و نگارشی، بیانگر اهمیت حق کرامت انسانی در قیاس با سایر حقوق است؛ بدین ترتیب، کرامت انسانی به شکلی دقیق و موشکافانه و در ماده‌ای محوری، به رسمیت شناخته شده است.

کلمه «خدشه ناپذیر» در ابتدای ماده ۱، مبین معنایی است که به نوبه خود پذیرشی بی‌قید و شرط را در مورد زندانیان مورد تأکید قرار داده است. «خدشه ناپذیر» بدین معناست که حق بر کرامت انسانی زندانی را نمی‌توان سلب و از آن چشم پوشی کرد. به نظر می‌رسد چنین تأکیدی بر حق بر کرامت انسانی زندانی، همانگونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر تبیین شده، ریشه در این اعتقاد راسخ فلسفی دارد که کرامت ذاتی زندانی، قوام دهنده و مبنای اصلی حقوق بشر است. عبارت «باید محترم شمرده شود» نیز به معنای آسیب نرساندن به کرامت انسانی زندانی، از سوی نهاد‌های مرتبط با زندان و همچنین کشورهای عضو است.

هیأت رئیسه کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، به عنوان نویسنده منشور، در توضیح خود از ماده ۱ اظهار داشته: «کرامت انسان، بخشی از جوهر حقوق تبیین شده در این فصل است. به این جهت، باید حتی در جایی که یکی از حقوق محدود است، این حق مهم انسانی رعایت گردد». این تعبیر از حق کرامت انسانی، در رابطه با حقوق زندانی، از اهمیت خاصی برخوردار است؛ بنابراین هیچ شرایط استثنایی (حتی جنگ یا حمله‌ی تروریستی قریب‌الوقوع) توجیه کننده نقض کرامت انسانی شخص زندانی و یا اعمال شکنجه نبوده و شرایط استثنایی، باید در محدودکننده‌ترین مفهوم و با در نظر گرفتن اصل مهم واجب‌الحریم بودن کرامت انسان

<sup>۱</sup> بر مبنای ماده فوق‌الاشاره: «کرامت انسانی، خدشه ناپذیر است و بایستی محترم شمرده شده و تحت حمایت قرار گیرد».

تعبیر شوند؛ علاوه بر این، هر فرد، از جمله زندانی، این حق بنیادین را دارد که در برابر نهادهایی که قصد دخالت در کرامت او را دارند، مقاومت نشان دهد.

البته نباید در خصوص اهمیت این ماده بنیادین در مورد زندانیان، مبالغه نمود؛ چرا که میان کرامت انسانی زندانی و دموکراسی نیز رابطه ای برقرار است. دادگاه اروپایی حقوق بشر، این رابطه را براساس کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی چنین بیان میکند: «بردباری و احترام به کرامت انسانی زندانی ضروری است؛ زیرا تمامی افراد، به شکلی یکسان، بنیان جامعه‌ای دموکراتیک و متکثر را تشکیل می‌دهند». (روک، ۲۰۰۹: ۵۴)

دیوان اروپایی حقوق بشر، بارها در تصمیمات خود، به موضوع کرامت انسانی زندانی اشاره کرده است؛ دیوان در حکمی که در مورد یکی از زندانیان تبعه هلند صادر کرد، چنین اظهار داشت: «ضروری است دیوان، در بررسی مطابقت اعمال افراد زندانی با اصول کلی قانون جامعه اروپا، اطمینان حاصل نماید که کرامت انسانی زندانیان لحاظ شده است». در پرونده امگا، دیوان با ارجاع به نظرات قاضی مشاور (خانم استیکس هاکل)، چنین بیان داشت: «حکم قانونی جامعه اروپا، تلاشی غیرقابل انکار در حفظ احترام به کرامت انسانی زندانی به عنوان اصلی کلی در قانون خواهد بود». خانم استیکس هاکل، به اهمیت مهم‌ترین حق بنیادین انسانی یعنی کرامت انسانی در قانون جامعه اروپا و همچنین ریشه‌های آن در تمدن اروپایی نیز تأکید بسیار داشته است.

### ۳- حق مصونیت از شکنجه

شکنجه را به تحمیل درد شدید به جسم یا روان، برای تنبیه یا گرفتن اعتراف یا اطلاعات یا لذت از زجر دیگری، معنی کرده‌اند. (گارنر، ۲۰۰۴: ۱۵۲۸) شکنجه در فرانسه، قبل از انقلاب (۱۷۸۹ م) و در بسیاری از کشورهای اروپایی به تدریج در قرون هیجدهم و نوزدهم، از لحاظ قانونی لغو شد. (آشوری، ۱۳۸۷: ۷۸) حق مصونیت از شکنجه به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر، حقی مطلق (Absolute) و غیرقابل تعلیق (Non-Derogable) است. از این جهت، این حق تحت هیچ شرایطی، حتی در وضعیت‌های اضطراری عمومی، دستور مافوق، حالت جنگی و تهدید خطرات عمومی تروریستی نباید مورد نقض قرار گیرد. اصطلاح شکنجه در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی نظیر ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مادتهای ۲۵ و ۲۶ اعلامیه آمریکایی حقوق و وظایف انسان (۱۹۴۸)، ماده ۳ هر چهار قرارداد ژنو (۱۹۴۹)، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی

<sup>۱</sup> Omega.

حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ماده ۷ و بند ۳ (ز) ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۱ اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص حمایت از اشخاص در برابر شکنجه، تنبیهات و رفتارهای خشن، غیر انسانی یا موهن (۱۹۷۵)، ماده ۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، مادتهای ۱ تا ۴ کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴)، بند (الف) ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، ماده ۱۳ منشور عرب راجع به حقوق بشر (۱۹۹۴)، بند ۲ ماده ۷ و ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری<sup>۱</sup> (اساسنامه رُم، ۱۹۹۸) و ... به کار رفته و اعمال آن ممنوع گردیده است.

تعریفی که در کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) بیان شده است، علاوه بر اینکه در یک سند جهانی و الزام‌آور آمده، شامل تمامی قیودی است که در سایر تعاریف آورده شده و همچنین مورد تأیید و توجه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و کمیته حقوق بشر نیز بوده است. بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون مذکور بیان می‌کند: «برای اهداف این کنوانسیون، واژه شکنجه یعنی تحمیل هر فعل عمدی که به وسیله آن درد یا صدمه شدید اعم از جسمی یا روحی به منظور دستیابی به اهدافی، از قبیل کسب اطلاعات یا اقرار از قربانی یا شخص ثالث، مجازات قربانی برای عملی که وی یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن است، مرعوب نمودن یا اعمال فشار بر قربانی یا شخص ثالث یا به هر علتی که براساس هرگونه تبعیضی باشد، بر شخصی تحمیل شود، هنگامی که چنین درد یا صدمه‌ای توسط مأمور رسمی یا تحت نظارت یا با رضایت یا سکوت وی و در حدود صلاحیت رسمی او صورت پذیرد. این تعریف شامل درد و رنجی نیست که صرفاً ذاتی یا لازمه ضمانت اجراهای قانونی است»

در خصوص شکنجه زندانیان، اصول تعیین‌کننده و راهنما، ممکن است در رابطه با محتوا و حیطة به‌کارگیری از این عمل غیرانسانی در خصوص زندانی، در بسیاری از اسناد، استنباط شود؛ که بیان می‌کند واژه «شکنجه» به معنای هر گونه عملی است که با آن درد یا رنج شدید، چه جسمی و چه روحی، عمداً با اهدافی مانند کسب اطلاعات یا گرفتن اعتراف از او یا یک شخص ثالث، یا مجازات او برای کاری که او یا یک شخص ثالث انجام داده یا مشکوک به انجام آن است، یا به هر دلیلی براساس هر گونه تبعیضی، بر یک شخص تحمیل می‌شود. اگرچه این تعریف مقرر می‌دارد، شکنجه باید با یک هدف تحمیل شود، فهرست ارائه شده در این مورد جامع و فراگیر نیست؛ به‌عنوان مثال، در یک بازجویی طولانی، همواره این خطر وجود دارد که نقض منع مطلق

<sup>۱</sup> اساسنامه مزبور، همچنین اولین سند مهمی است که حوزه گسترده‌ای از جرائم خشونت بار جنسی را جرم انگاری کرده است. (صلاحی، ۱۳۹۱: ۱۴۱)

شکنجه، اعمال ظلم و رفتار ترذیلی اتفاق بیفتد؛ در همین راستا، هیأت ضد شکنجه سازمان ملل متحد بیان کرده که «سلب خواب» ممکن است در برخی موارد، در بردارنده شکنجه باشد. این گفته در صورتی که به عنوان یک اقدام نمادین به کار گرفته شود، ممکن است به پذیرش سلب خواب به عنوان یکی از اثرات جانبی و فرعی فرآیند بازجویی منتهی شود؛ اما اگر با هدف شکستن اراده قربانی به کار گرفته شود، به مثابه رفتار ممنوع است. به علاوه، شیوه های بازجویی «فشار و اجبار» میتوانند به راحتی به «فشار جسمی متعادل» توسعه یابند. چنین شیوه های از بازجویی یا تنها یا به شکل ترکیبی به وجود آورنده شکنجه، ظلم، رفتار غیرانسانی یا ترذیلی یا مجازات هستند. (باگر و دانیال، ۱۹۸۸: ۲۳۰)

ماده (۱) ۵۴ مجموعه قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان (۱۹۵۷)، به طور ضمنی و نه صریح اعمال شکنجه و زور را بر زندانی ممنوع نموده و اینگونه مقرر داشته است که: «مأموران زندانها در روابط خود با زندانیان، جز در دفاع از خود یا در موارد تلاش برای فرار یا مقاومت فیزیکی فعال یا غیرفعال نسبت به یک دستور مبتنی بر قانون یا مقررات، نباید از زور استفاده کنند. مأمورانی که به زور متوسل می شوند، نباید بیش از زوری که کاملاً ضروری است، استفاده کنند و باید بلافاصله، موضوع را به مدیر زندان اطلاع دهند».

در سطح اتحادیه اروپا، ممنوعیت شکنجه یکی از بنیادی ترین حقوق بشر در کنار حق کرامت، حق حیات و منع برده داری است که همگی در فصل نخست منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپایی (۲۰۰۰) با عنوان کرامت، ذکر شده اند. همه این حقوق اصلی، به کرامت انسان مربوط است؛ به ویژه منع شکنجه (ماده ۴) و حق حیات (ماده ۲) که برخی از ارزش های اصلی کشورهای عضو را بیان می کنند.

در ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی (۱۹۵۰)، منع شکنجه یا رفتار غیرانسانی، ترذیلی یا مجازات زندانیان مقرر شده است. این ماده، شکنجه، رفتار غیرانسانی، ترذیلی یا مجازات را، به طور مطلق و بدون توجه به شرایط و رفتار قربانی، منع می کند. از این رو، هر گونه محدودیتی در حمایت از یک فرد، در برابر تحمیل درد یا رنج را، ناروا می شمارد. مطابق کنوانسیون فوق، بین شکنجه زندانی و رفتار غیرانسانی و ترذیلی با او، تفاوت هایی وجود دارد؛ برای اینکه بتوان رفتاری را «شکنجه» به شمار آورد، باید آن رفتار عمداً تحمیل گردد و ماهیتی بسیار ظالمانه و رنج آور داشته باشد. این تمایز، از آنجایی که شقوق گوناگون رفتار، باعث نقض ماده مذکور می شوند، واجد اهمیت حقوقی نیست؛ با وجود اینکه واژه «شکنجه» یک بدنامی اخلاقی را می رساند. از این رو، بد رفتاری با زندانی را باید در شرایطی که در آن شکنجه

اعمال می‌شود؛ در نظر گرفت و رفتار ترذیلی و تحقیرکننده باید فراتر از درد و رنج آنچه که نتیجه حتمی یک مجازات یا عمل قانونی محسوب می‌شود، برود. به نظر می‌رسد اگر رفتاری، غیرانسانی در نظر گرفته نشود و فقط ترذیلی محسوب شود، لازمه رفتار ترذیلی با زندانی برای نقض ماده ۴ کنوانسیون، تحقیر شدید باشد. از نمونه‌های تحقیر می‌توان به تحقیر جنسی، مانند برهنگی اجباری و غیره اشاره کرد. برای مثال، قرار دادن افرادی که ناتوانی‌های خاصی دارند در برخی شرایط، خواه انگیزه آن مقصود تبعیض‌آمیز یا مقصود مثبت برای خوارسازی یا تحقیر باشد، می‌تواند به مثابه رفتار منع‌شده با زندانی در قوانین اروپایی باشد. به هر روی کرامت و منزلت جسمی و روحی زندانی، باید مورد حمایت واقع گردد. به علاوه، توضیح کلی قید می‌کند که بدرفتاری «... نه تنها به اعمالی که سبب درد جسمی می‌شوند بلکه همچنین اعمالی که موجب عذاب روحی قربانی می‌شوند، مربوط می‌گردد...» از نمونه‌های آن می‌توان به اعدام‌های تصنعی، زندان انفرادی، تهدید به خشونت روانی یا جسمی، تهدید به خشونت جنسی، تحقیر جنسی و تهدید اعضای خانواده زندانی اشاره داشت. دادگاه حقوق بشر اروپا در یکی از آرای صادره خویش در سال ۲۰۱۹، دولت فرانسه را به دلیل رفتار نامناسب با متهمی که در سال ۲۰۰۷ میلادی بین دو زندان این کشور (سالون دو پروونس و وارن لو گراند) برهنه انتقال داده شده بود، به پرداخت ۱۸ هزار یورو غرامت به قربانی محکوم نمود؛ دادگاه همچنین اعلام کرد با استناد به شواهد و مدارک مستدلی که وجود دارد، زندانبان‌ها در این پرونده، از قدرتشان سوء استفاده کرده‌اند.<sup>۱</sup>

مطابق ماده ۱ کنوانسیون اروپایی پیشگیری از شکنجه و رفتار یا مجازات غیر انسانی (۱۹۸۷)، کشورهای عضو مبادرت به ایجاد نهادی نظارتی تحت عنوان «کمیته اروپایی جلوگیری از ارتکاب شکنجه و رفتار یا مجازات غیر انسانی یا ترذیلی» نموده‌اند که این کمیته می‌تواند از طریق بازدیدهای به عمل آمده، نحوه رفتار با اشخاص زندانی و محروم از آزادی را با هدف تقویت حمایت از چنین اشخاصی در مقابل شکنجه و دیگر رفتار یا مجازات غیر انسانی یا ترذیلی مورد بررسی قرار دهد. اهمیت حمایت از زندانیان و افراد محروم از آزادی در برابر شکنجه، در اتحادیه اروپا به حدی است که پناهجویانی که در کشورهای خود و در دوران حبس و بازداشت، مورد شکنجه و آزار قرار گرفته و از آسیب‌های ناشی از آن رنج می‌برند، این حق را پیدا می‌کنند که از کشورهای عضو اتحادیه، اجازه اقامت دریافت کنند. دیوانعالی اروپا در رأی مورخ ۲۴ آوریل ۲۰۱۸ خویش (در مورد وضعیت پناهجویی از کشور سریلانکا که در سال ۲۰۰۹ میلادی، از بریتانیا تقاضای

<sup>۱</sup> Available At: <https://farsi.euronews.com/2019/12/05/echr-condemned-france-for-bad-treatment-of-a-prisoner>

پناهندگی کرده و دلیل آن را تحت شکنجه بودن در دوران بازداشت خویش در سربلانکا، به دلیل عضویت در «سازمان ببرهای تامیل» عنوان نموده بود، ضمن تأکید بر این امر، اینگونه استدلال نمود که امکان تشدید بیماری و خطر خودکشی برای او در صورت بازگشت به کشورش وجود دارد.<sup>۱</sup>

#### ۴- حق مصونیت از حبس انفرادی و رویه‌های تنبیهی سخت گیرانه

در اندیشه جرم شناسان گذشته، با تأکید بر این دیدگاه که حبس عمومی، مضرات فراوان دارد؛ برای کاستن آثار مخرب این مدل از حبس، عده‌ایی از اندیشمندان به حبس انفرادی توجه کردند. تحت تأثیر اندیشه‌های جان هوارد در پایان سده‌ی هفدهم، کامل‌ترین رژیم حبس انفرادی، در زندان مدل ساخته شده در فیلادلفیا به اجرا درآمد که به آن سیستم پنسیلوانیایی گفته می‌شد. بر این مبنا، از حبس انفرادی دفاع می‌شد که رژیم حبس انفرادی، این مزیت بزرگ را دارد که مانع درهم و با هم زیستن و فساد محکومان در حبس می‌گردد. (بولک، ۱۳۸۷: ۱۸۰)

در حال حاضر، مطابق اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، در اعمال مجازات‌های تنبیهی بر زندانیان در محیط زندان، بایستی جانب احتیاط را مراعات و حتی‌المقدور از به کارگیری تنبیه‌های سختگیرانه چون حبس انفرادی، پرهیز نمود؛ به عبارت آخری، حبس انفرادی، علی‌الاصول مجازات تنبیهی مناسب و متناسبی برای زندانی نیست؛ مگر در موارد استثنایی. مجموعه قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان (۱۹۵۷)، طی مواد ۲۷ تا ۳۳، به تنبیه و انضباط در زندان‌ها، پرداخته است. در ماده ۳۱ این سند چنین آمده است: «لازم است مواردی نظیر تنبیهات بدنی، استقرار در یک سلول تاریک و هرگونه تنبیه خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز به عنوان مجازات‌های قابل اعمال برای بزه‌های انضباطی، ممنوع گردد.» در صورت صلاحدید و موارد لزوم اعمال تنبیهات مزبور نیز بایستی مطابق ماده ۳۲، یک مأمور پزشکی، تمامی زندانیان در معرض تنبیه را معاینه و متناسب بودن تنبیهات، از جهت قابل تحمل بودن آن برای فرد زندانی را به طور کتبی، تأیید نماید. اصول پایه برای رفتار با زندانیان (۱۹۹۰) نیز در ماده ۷ خود اینگونه بیان داشته که: «تلاش در جهت الغای حبس انفرادی، به عنوان تنبیه یا محدودیت استفاده از آن، اعمال و تشویق گردد».

حبس انفرادی، دارای اشکال گوناگونی است؛ شدیدترین حالت آن، هنگامی است که زندانی، کاملاً تنها و بدون دسترسی به نور، صدا یا هوای تازه نگهداری می‌شود؛ یعنی آنچه که به عنوان

<sup>۱</sup> Available At : <https://p.dw.com/p/2waPx>

«سلول‌های تاریک» از آنها یاد میشود. ماده ۳۱ مقررات اروپایی زندان، اینگونه حبس انفرادی را اکیداً ممنوع و مقرر داشته است: «تنبیهات جمعی، تنبیه بدنی، تنبیه از طریق استقرار در یک سلول تاریک و هرگونه تنبیه خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، به عنوان مجازات بزه انضباطی، اکیداً ممنوع می‌باشد». کمیته اروپایی پیشگیری از شکنجه، رفتار یا مجازات‌های غیرانسانی یا تحقیرآمیز نیز در بند ۱۱۳ از بخش اول گزارش بازدید به عمل آمده از زندان‌های اسپانیا (که از اول تا دوازدهم آوریل ۱۹۹۱ صورت پذیرفت) اینگونه بیان داشت که: «هیأت نمایندگی، برخی زندانیان سطح یک را ملاقات کرد که برای دوره‌های زمانی بسیار طولانیف تحت نوعی انزوا قرار گرفته بودند و تحت شرایط مادی شاق و با فعالیت جسمانی اندک و یا بدون هیچ فعالیت جسمانی، نگهداری می‌شدند. از منظر کمیته، این امر، به معنی رفتار غیرانسانی است.

نوع دیگری از حبس انفرادی، هنگامی است که یک زندانی، در سلول انفرادی و با دسترسی به نور و هوای طبیعی، نگهداری می‌شود؛ این نوع تنبیه بایستی تنها در مواقع استثنایی و برای دوره‌های زمانی کوتاه استفاده شود. در همین رابطه، به موجب ماده ۳۸ (۱) مقررات اخیرالذکر: «تنبیه از طریق حبس در انفرادی، تنها در موردی اجرا می‌گردد که پزشک پس از معاینه، کتباً توانایی تحمل آن توسط زندانی را تأیید نماید». طبیعی است که در صورت تجویز پزشک به اعمال حبس انفرادی در مورد زندانی، مأمور پزشکی، بایستی روزانه از زندانیان تحت تنبیه انفرادی، بازدید نموده و چنانچه بنا به دلایل سلامتی جسمی یا روانی، خاتمه یا تبدیل تنبیه فوق را ضروری تشخیص دهد، مدیر زندان را مطلع نماید. (ماده ۳۸ (۳)) کمیته اروپایی پیشگیری از شکنجه نیز، در بند ۵۶ دومین گزارش عمومی فعالیت‌های خود در زمینه پیشگیری از شکنجه، عنوان داشت که: «در برخی مواقع، حبس انفرادی میتواند منجر به رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز شود؛ در هر حال، تمامی اشکال حبس انفرادی باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن باشد.»

ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۱۹۵۰) در همین راستا، رفتار با زندانیان در طول حبس انفرادی را نیازمند رعایت استانداردهایی میدانند. این رویکرد به ویژه بر محیط فیزیکی و امکان تماس اجتماعی در طول دوره حبس متمرکز بوده است. الزامات مربوط به شرایط فیزیکی، از جمله اندازه اتاق‌ها، نور، شرایط بهداشتی، خوراک و غیره، شرایط اجتماعی، نظیر ارتباط با کارکنان، استفاده از کتابخانه، رسانه‌ها، خرید، و شرایط مرتبط با سلامت، مانند دسترسی به خدمات ورزشی، درمان پزشکی، نظارت بر سلامت روانی و... در طول دوره حبس انفرادی، ممکن است به عنوان بخشی از تعهد مثبت آنها برای تضمین ممنوعیت شکنجه،

رفتار ترذیلی یا رفتار غیرانسانی یا مجازات بر مقامات کشور تحمیل شود. به علاوه، این کنوانسیون بر اثرات منفی انزوا بر سلامت روانی زندانیان تأکید کرده است. (باگر و دانیل، ۱۹۸۸: ۲۳۲)

کمسیون اروپایی حقوق بشر در پرونده کروشر در مقابل مولر<sup>۱</sup> (۱۹۸۳)، ضمن تأکید بر تبعات مخرب حبس انفرادی، بیان داشت که: «انزوای مطلق، علاوه بر انزوای کامل اجتماعی، می‌تواند شخصیت را فرو بپاشد و متضمن رفتاری است که با الزامات امنیتی یا هر دلیل دیگر، نمی‌توان آن را توجیه نمود».

در پرونده کلاشنیکف در مقابل روسیه<sup>۲</sup>، دادگاه اروپایی حقوق بشر، شرایطی را که یک زندانی به مدت ۴ سال و ۱۰ ماه، در مرکزی در روسیه، تحت آن شرایط، نگهداری شده بود را ناقض ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ناظر بر منع رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز با زندانیان) تشخیص داد. مجموعه‌ای از استانداردهای مشخص دیگر نیز در شورای هیأت اروپایی منع شکنجه، در یازدهمین گزارش کلی فعالیت‌های آن که در سال ۲۰۰۰ منتشر شد تعیین شده است. هیئت بر تعدادی از نگرانی‌های مربوط به حبس تأکید دارد. برای مثال شلوغی بیش از حد زندان، روابط کارکنان با زندانی‌ها، خشونت داخل زندان، خوابگاه‌های پرگنجایش، شرایط فیزیکی و سلامت و واحدهای ایمن از آن جمله‌اند. از این رو استانداردهای تعیین‌شده، ممکن است در هنگام ارزیابی محتوا و حیطه به‌کارگیری ماده ۴ منشور و به خصوص در فرآیند شناسایی تعهدات مثبت موجود در ممنوعیت شکنجه، رفتار غیرانسانی یا ترذیلی یا مجازات، نقش یک راهنمای تعبیر را ایفا کنند. (باگر و دانیل، ۱۹۸۸: ۲۳۰)

## ۵- حق دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی مناسب

امروزه با رواج یافتن سیاست جنایی ریسک مدار در بسیاری از نظام‌های کیفری، با هدف کنترل و طرد مجرمان خطرناک، کیفر حبس بیش از پیش اهمیت یافته است. همان گونه که اسناد بین‌المللی صراحت دارند، کیفر تحمیلی بر مجرم، باید تنها محرومیت از آزادی باشد؛ حبس نباید دربردارنده‌ی خطرات جسمی یا سوء استفاده‌ی روانی توسط کارکنان یا سایر زندانیان باشد. همچنین حبس نباید دربر دارنده خطر ابتلا به بیماری‌های وخیم یا حتی مرگ به سبب شرایط مادی یا فقدان مراقبت‌های روانی و بهداشتی مناسب باشد. (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۰)

بنابراین دولت‌ها همانگونه که موظفند به شهروندان عادی، مراقبت‌های بهداشتی استاندارد ارائه

<sup>۱</sup> Croucher vs. Muller

<sup>۲</sup> Kalashnikov vs. Russia



کنند، باید زندانیان، به ویژه زندانیان آسیب‌پذیر جسمی و روانی مانند معتادان و سایر بیماران محبوس را نیز تحت پوشش قرار دهند. (همان: ۱۰۹) چرا که زندانیان عموماً، وابسته به طبقاتی از جامعه هستند که کمترین میزان دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی را دارا بوده و شرایط زندان از حیث فقدان یا کمبود دسترسی به خدمات مزبور، به این افراد، آسیب مضاعف می‌رساند. در مورد خدمات بهداشتی، تمامی امکانات پیش‌بینی شده برای زندانیان، به ویژه امکانات خواب آنها، باید مطابق با الزامات بهداشتی، با در نظر گرفتن شرایط آب و هوایی و به خصوص میزان هوای موجود در اتاق، مساحت اتاق، نور، حرارت و تهویه باشد. (ماده ۱۰ مجموعه قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان) همچنین تأسیسات بهداشتی، باید به اندازه کافی موجود باشند تا زندانیان بتوانند در موارد ضروری، نیازهای طبیعی خود را برطرف کرده و از وضعیتی تمیز و مناسب برخوردار باشند. (ماده ۱۲) امکاناتی کافی برای حمام و دوش گرفتن، باید به گونه ای فراهم شود که هر زندانی، قادر و ملزم باشد با استفاده از آبی که دارای حرارت متناسب با فصل است، به دفعاتی که مطابق فصل و منطقه جغرافیایی جهت حفظ بهداشت عمومی ضروری است و حداقل یکبار در هفته، استحمام نماید. (ماده ۱۳) علاوه بر این‌ها، مسئول پزشکی زندان موظف است ضمن بازرسی منظم کمیت، کیفیت و نحوه تهیه و توزیع غذا، مدیر زندان را در جریان آنها قرار دهد. (ماده ۲۶) علاوه بر مجموعه قواعد مزبور، به موجب ماده ۹ اصول پایه برای رفتار با زندانیان (۱۹۹۰): «زندان‌یان باید به خدمات بهداشتی موجود در کشور، بدون تبعیض به خاطر وضعیت حقوقی خود، دسترسی داشته باشند».

در مورد خدمات پزشکی و درمانی، ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) بر حق کلیه افراد (از جمله زندانیان)، در بهره‌مندی از حداکثر میزان تندرستی جسمانی و روانی قابل حصول، تأکید می‌نماید. مجموعه قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان (۱۹۵۷) در ماده ۶۲ خود، هدف از ارائه خدمات پزشکی در زندان و مرکز نگهداری را، کشف و معالجه بیماری‌ها، کمبودهای جسمی و روانی می‌داند که امکان دارد، بازپروری زندانی را با اخلال مواجه نماید. ماده (۱) ۲۲ مجموعه فوق، بر لزوم وجود حداقل یک مسئول پزشکی ذیصلاح که تا حدی با مسائل روانپزشکی آشنایی دارد، در هر زندان تأکید نموده است؛ بدیهی است که مسئول فوق، بایستی مطابق ماده ۲۵، مراقب سلامت جسمی و روحی زندانیان بوده و هر روز همه زندانیان بیمار و آن‌هایی که شکایتی راجع به بیماری خود دارند و نیز هر زندانی را که توجه خاصی نسبت به وضعیت او دارد، ببیند. ماده (۲) ۲۲ اعزام زندانیان بیمار نیازمند به معالجات تخصصی را به نهادهای ویژه یا بیمارستان‌های عمومی گوشزد نموده و ماده (۳) ۲۲ نیز

در دسترس بودن خدمات یک مسئول ذیصلاح دندانپزشکی را برای هر زندانی، بیان نموده است. علاوه بر حقوق ایجابی مزبور، اصل ۲۲ از مجموعه اصول حمایت از کلیه افراد تحت بازداشت یا حبس (مصوب ۹ دسامبر ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد)، حقی را به طور سلبی، برای زندانی، در زمینه امور پزشکی مقرر نموده است؛ به موجب اصل مزبور: «هیچ فرد در بازداشت یا زندان نباید، حتی با رضایت خویش، مورد آزمایش‌های پزشکی یا علمی که به سلامت وی آسیب می‌زند، قرار بگیرد».

در اسناد اروپایی، ماده ۳۵ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپایی (۲۰۰۰)، اینگونه مقرر می‌دارد: «هرکس، حق دسترسی به مراقبت‌های پیشگیرانه، بهداشتی و استفاده از خدمات پزشکی را طبق شرایط مقرر در قوانین و عرف‌های داخلی دارد. اتحادیه در تعریف و اجرای تمام سیاست‌های خود، سطح بالایی از حمایت بهداشتی را برای افراد، تضمین خواهد کرد». علاوه بر این، دادگاه اروپایی حقوق بشر در موارد متعددی، عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی مناسب را مصداق رفتارها و مجازات‌های غیرانسانی یا تحقیرآمیز و مشمول ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تشخیص داده است؛ در رأی دی (D) علیه پادشاهی انگلستان (۱۹۹۷)، متقاضی، که در واپسین مرحله از بیماری ایدز قرار داشت، ادعا میکرد که اخراج وی به کشور متبوعش (سن کیتز) و در شرایطی که هیچ گونه درمان پزشکی متناسب با وضعیت جسمانی وی (خلاف کشور انگلستان) در آنجا به وی ارائه نمی‌شود، رفتاری غیر انسانی و خفت بار و مخالف ماده ۳ خواهد بود. به زعم وی، این اخراج او را در موقعیتی از انزوا و تبعیض قرار خواهد داد. دیوان اروپایی حقوق بشر، قابل استناد بودن ماده ۳ را تأیید و کشور انگلستان را به عنوان ناقض این ماده محکوم نمود. (جعفری، ۱۳۸۷: ۱۱۱) در زمینه فرد زندانی به طور خاص نیز می‌توان به پرونده موسائو علیه دولت ترکیه اشاره نمود که در آن، خواهان، تبعه یک دولت خارجی بود که در مدت اقامت خود در ترکیه، به اتهام دست داشتن در قتل عمد، مدتی بازداشت شده بود. او در یکی از موارد دادخواست خود به دادگاه اروپایی حقوق بشر، اظهار داشت که در هشت روز ابتدایی بازداشت، به علت شرایط نامساعد فیزیکی و به جهت تعدد زندانیان و نداشتن فضای مناسب از لحاظ بهداشتی، در وضعیت نامناسبی قرار گرفته است. (راعی و موسوی، ۱۳۹۵: ۲۰۳) دادگاه در رأی خود، تأکید کرد که فقدان فضای کافی شخصی

در محیط زندان، به عنوان عاملی مهم، بایستی در نظر گرفته شود و به همین دلیل با استناد به پرونده یاراشونن<sup>۱</sup>، نقض ماده ۳ کنوانسیون را احراز نمود.<sup>۲</sup>

## ۶- حق ارتباط با خانواده و جهان خارج

اگرچه افراد زندانی، از حق جا به جایی آزادانه محروم می‌گردند؛ لیکن این امر، به معنی سلب سایر حقوق آنها به عنوان یک انسان نیست. یکی از مهم‌ترین این حقوق، حق ارتباط با خانواده و جهان خارج است. اصل مزبور، با این اندیشه در ارتباط است که زندانی باید در جامعه مدنی ادغام شده و جایگاه یک شهروند عادی را در جامعه بازیابد. حفظ ارتباط با خانواده و محیط خارج، یکی از عوامل اساسی برای اجتماعی کردن زندانیان محسوب می‌شود. (همتی، ۱۳۹۶: ۹۳) به همین دلیل و به باور بسیاری از اندیشمندان، مدیریت بهینه در اماکن حبس، مدیریتی است که شأن انسانی و حق تماس محرومان از آزادی با خانواده و دوستان را ملحوظ توجه قرار داده و با ملاقات کنندگان، رفتاری انسانی داشته باشد. (کویل، ۱۳۸۴: ۱۲۲-۱۲۱)

در مورد حق ارتباط با خانواده، از آنجا که مطابق ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸): «احدی نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، مورد مداخلات خودسرانه واقع شود» و همچنین به موجب ماده ۲۳ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶): «خانواده، عنصر نهادین و اساسی جامعه است و سزاوار حمایت جامعه و دولت است»، این حقوق، زندانیان را نیز شامل می‌گردد؛ بدین ترتیب، لازمه احترام به حق جهانی زندگی خانوادگی در خصوص زندانیان، اتخاذ تدابیری قانونی در جهت ضابطه‌مند نمودن و نیز تسهیل ملاقات آنها با اعضای خانواده و نیز دوستان مورد اعتمادشان می‌باشد؛ به عنوان مثال، به موجب ماده ۳۷ مجموعه قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان (۱۹۵۷): «زندانین، باید تحت مراقبت‌های ضروری، مجاز باشند چه از طریق ملاقات‌های حضوری و چه از طریق مکاتبه، با اعضای خانواده و دوستان مورد اعتماد خود، ارتباط داشته باشند» و البته لازم است توجه ویژه‌ای به حفظ و بهبود روابط زندانی و خانواده‌اش، هنگامی که این روابط، به مصلحت هر دو طرف است، صورت پذیرد. (ماده ۷۹) در مورد متهمین زندانی به طور خاص نیز بایستی گفت که آنها از این حق برخوردارند که در اسرع وقت، خانواده خود را از بازداشت مطلع ساخته و از تمامی تسهیلات

<sup>۱</sup> Yarashonen Case.

<sup>۲</sup> Available At: <https://www.asylumlawdatabase.eu/en/content/ecthr-%E2%80%93-musaev-v-turkey-application-no-7275411>

عادی برای برقراری ارتباط با خانواده و دوستان و ملاقات با آنها، برخوردار شوند (ماده ۹۳)، علاوه بر مجموعه قواعد مزبور، مجموعه اصول حمایت از کلیه افراد تحت بازداشت یا حبس (۱۹۸۸) نیز در ماده ۱۶ خود، به حق بازداشت شدگان و زندانیان نسبت به آگاهی اعضای خانواده و دیگر افراد مناسب، جهت آگاهی از وضعیت آنان، اشاره می‌نماید.

در سطح اتحادیه اروپا نیز حق ارتباط زندانی با خانواده و حمایت از زندگی خانوادگی وی، هم در اسناد و پروتکل‌های منطقه‌ای اتحادیه و هم در رویه قضایی، مورد تأکید قرار گرفته است؛ به موجب ماده (۱) ۸ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۱۹۵۰)، هرکس (از جمله زندانی) از حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی و ... برخوردار است. بنابراین، مردان و زنانی که به سن ازدواج رسیده‌اند، از حق ازدواج و تشکیل خانواده، مطابق با قوانین ملی حاکم بر اعمال این حق، برخوردارند. (ماده ۱۲) علاوه بر کنوانسیون مزبور، ماده ۷ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپایی (۲۰۰۰) نیز بر لزوم احترام به زندگی شخصی و خانوادگی هر فرد، به طور عام، تأکید می‌نماید؛ بنابراین، حق ازدواج و تشکیل خانواده، طبق قوانین داخلی مربوطه، بایستی تضمین گردیده (ماده ۹) و خانواده از حمایت قانونی، اقتصادی و اجتماعی برخوردار باشد. (ماده (۱) ۳۳) در خصوص افراد زندانی به طور خاص، دادگاه اروپایی حقوق بشر، در پرونده هامر در مقابل بریتانیا (۱۹۷۹)، حکم نمود که زندانیان، با وجود حضور در زندان، از حق ازدواج برخوردارند. همچنین در پرونده پلیاکووا و دیگران در مقابل روسیه<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) که ۳ زندانی بین ۲۰۰۰ تا ۸۰۰۰ کیلومتر دورتر از اعضای خانواده خود، در زندان نگهداری شده و این امر، تأثیر مستقیمی بر نحوه ملاقات آنان با خانواده خود داشت، دیوان اروپایی حقوق بشر در حکم خود مقرر داشت که زندانی نمودن افراد، هزاران مایل دورتر از خانواده‌هایشان، نقض حق زندگی خصوصی و خانوادگی آنها و ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است.<sup>۲</sup>

در خصوص حق ارتباط با جهان خارج، زندانیان باید بتوانند، علاوه بر برقراری ارتباط با خانواده و دوستان خود (که شرح آن رفت) در جریان اخبار و رخدادهای برون از زندان نیز قرار گیرند؛ چرا که آگاهی از آنچه در دنیای خارج رخ می‌دهد، می‌تواند به زندانیان در داشتن رفتاری عادی‌تر در طول زندگی، در دنیای بسته زندان کمک نماید. بنابراین جز در شرایط استثنایی، هیچ دلیلی

<sup>۱</sup> Polyakova and Others v. Russia

<sup>۲</sup> Available At: <https://ijrcenter.org/2017/03/14/ecthr-holding-prisoners-in-facilities-far-from-family-violates-rights/>

برای جلوگیری از دسترسی زندانی، به رسانه های گروهی و کسب اخبار وجود ندارد. مطابق ماده ۳۹ مجموعه قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان: «لازم است زندانیان، به طور منظم، از طریق مطالعه روزنامه، نشریات یا انتشارات ادواری یا ویژه زندان و از طریق گوش دادن به رادیو یا از طریق سخنرانی یا هر روش مشابه دیگری که توسط مدیریت زندان، مجاز یا تحت نظارت است، در جریان اخبار مهم قرار گیرند». در اسناد اروپایی، ماده (۱) ۱۱ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپایی، آزادی کسب اطلاعات، بدون دخالت مقامات دولتی و محدودیت مرزی را زیرمجموعه آزادی بیان قلمداد مینماید. همچنین به موجب ماده (۲) ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در اجرای احترام به حق مراسلات فرد، هیچ مداخله ای نباید از سوی هیچ یک از مقامات دولتی صورت گیرد؛ مگر مداخلات منطبق بر قانون و مواردی که در یک جامعه ی مردم سالار، به دلایل حفظ امنیت ملی، ایمنی عمومی، رفاه اقتصادی کشور، پیشگیری از هرج و مرج و جرایم، حفاظت از سلامتی و اخلاقیات یا حفاظت از حقوق سایرین، ضروری تشخیص داده شوند. رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، برای اینکه قانونی توان دخالت و تحدید حق بر حریم خصوصی (از جمله ارسال مراسلات و کسب اخبار) را داشته باشد، آن را نیازمند شرایطی از این قبیل دانسته است: قابل دسترس باشد و به حد کفایت، واضح باشد. (رحیم خویی و رستم زاد، ۱۳۹۶: ۲۷۳)

در پرونده کوزنتسوف در مقابل اوکراین (۲۰۰۳) که خواهان، یک زندانی بود و طبق مقررات زندان، هر زندانی فقط می توانست یک نامه در ماه ارسال کند. شمار ملاقاتی ها را کم کرده بودند (هر ماه یک نفر) و ملاقاتی نیز می بایست در حضور دو نگهبان انجام میشد. خواهان از این مصوبه ها اطلاعی نداشت و دیوان در نهایت بیان داشت که این مقررات، به طور عمومی در دسترس نبوده و در نتیجه، قابلیت تحدید حق بر مکاتبات و زندگی خانوادگی نظیر محدودیت بر ملاقاتی یا شمار نامه ها را نداشته و بنابراین دیوان، نقض ماده ۸ را احراز می کند. (همان)

## ۷ - حق آزادی مذهب و انجام امور مذهبی

اصولاً حق آزادی باور مذهبی و عمل به الزامات و فرایض دینی، حقی انسانی و جهان شمول بوده و زندانیان نیز همانند انسان های آزاد، از آن برخوردار می باشند؛ به عبارت دیگر، محرومیت از آزادی، نباید شامل محرومیت شخص از باور به مذهب و انجام فرایض و شعائر مذهبی اش باشد. حق مزبور، باید برای تمامی گروه های مذهبی به رسمیت شناخته شده، فراهم گردیده و نباید به مذاهب اصلی و رسمی یک کشور محدود شود. همچنین تضمین اینکه زندانیان فاقد مذهب، مجبور به انجام شعائر مذهبی نشوند نیز اهمیت دارد. در اسناد عام حقوق بشری، به موجب ماده

۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸): «هرکس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی، چه به صورت انفرادی، چه به صورت جمعی، در قالب آموزش، اجرای مناسک، عبادت و دیده بانی آن در محیط عمومی یا خصوصی است». ماده (۱) ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) نیز، حق آزادی فکر، وجدان و مذهب را شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه به طور فردی یا جمعی، خواه به طور علنی یا در خفا، در عبادت و اجرای آداب، اعمال و تعلیمات مذهبی می‌داند. در اسناد مربوط به زندانیان، مطابق ماده (۱) ۴۱ مجموعه قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان (۱۹۵۷)، چنانچه در زندان، تعداد کافی از پیروان یک مذهب، موجود باشند، بایستی یک نماینده مذهبی صلاحیت‌دار منصوب گردد و چنانچه شمار زندانیان، تمام وقت بودن امور مذهبی را توجیه نماید و شرایط موجود نیز اجازه چنین ترتیبی را دهد، بایستی اینگونه عمل شود. بدیهی است که نماینده مذهبی فوق، باید اجازه برگزاری مراسم و مناسک مذهبی را داشته و هرازگاهی با زندانیان هم مذهب خود، در زمان‌های مقتضی، ملاقات خصوصی داشته باشد. (ماده (۲) ۴۱) حق دسترسی به نماینده صلاحیت‌دار هر مذهب، نباید از هیچ زندانی سلب شود؛ از طرف دیگر، اگر زندانی، با ملاقات هرگونه نماینده مذهبی، مخالف باشد، بایستی به خواسته وی احترام گذاشته شود. (ماده (۳) ۴۱) علاوه بر مجموعه قواعد فوق، به موجب ماده ۳ اصول پایه برای رفتار با زندانیان (۱۹۹۰) نیز: «بهتر است به عقاید دینی و سنت‌های فرهنگی گروهی که زندانیان به آن تعلق دارند، هرگاه شرایط محلی ایجاب کند، احترام گذاشته شود». همانگونه که ملاحظه می‌گردد ماده ۳ اصول پایه نیز همانند ماده (۱) ۴۱ مجموعه قواعد حداقل، احترام به مذهب و آزادی مذهب زندانی یا زندانیان را مستلزم ایجاب شرایط موجود در محیط زندان نموده و به نوعی از اطلاق موجود در اسناد عام حقوق بشری، فاصله گرفته است. و در نهایت، ماده ۴۸ قواعد سازمان ملل متحد در مورد حمایت از نوجوانان محروم از آزادی (۱۹۹۰)، به طور خاص بر حق نوجوانان زندانی در تأمین نیازهای مذهبی و معنوی خود تأکید و مقرر نموده که چنانچه مرکز بازداشت، تعداد کافی نوجوان پیرو یک دین مفروض داشته باشد، یک یا چند نماینده ذیصلاح مذهبی در آن دین، بایستی در زندان منصوب و اجازه برگزاری مراسم مذهبی و برآورده نمودن نیازهای دینی نوجوانان زندانی را دارا باشند؛ همچنین هر نوجوان، باید حق داشته باشد با نماینده ذیصلاح مذهب انتخابی خود دیدار کند؛ همانطور که حق دارد در مراسم مذهبی شرکت نکرده و از آموزش و مشاوره مذهبی، امتناع ورزد.

در اسناد اروپایی، آزادی مذهب در ماده‌ی ۹ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۱۹۵۰) آمده است. این ماده، اینگونه بیان می‌دارد: «۱. هرکس حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب (دین) دارد؛ این حق شامل آزادی تغییر مذهب (دین) یا عقیده و آزادی در اظهار دین یا عقیده به صورت انفرادی یا جمعی با دیگران و به شکل خصوصی یا عمومی در قالب عبادت، آموزش، عمل به مناسک و به جای آوردن (آیین‌ها) می‌شود. ۲. آزادی اظهار یک دین یا عقیده تنها موضوع محدودیت‌هایی خواهد بود که توسط قانون، برای جامعه‌ای دموکراتیک و به نفع امنیت عمومی، برای حمایت از نظم، بهداشت یا اخلاق عمومی یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران، لازم تشخیص داده شده باشد». همچنین به موجب ماده (۱) ۱۰ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپایی (۲۰۰۰): «هرکس از حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب برخوردار است. این حق، شامل آزادی تغییر مذهب یا عقیده و آزادی اظهار مذهب یا عقیده - به صورت فردی یا جمعی و نیز به صورت خصوصی و علنی - از طریق آموزش، انجام عبادت و اجرای مراسم دینی است».

با وجود اینکه سکولاریسم و جدایی دین از سیاست، یکی از اصول بنیادین حکمرانی در کشورهای اروپایی می‌باشد، با این حال، آزادی‌های مذهبی و عقیدتی مورد حمایت گسترده‌ای در رویه دیوان اروپایی قرار گرفته و حسن اجرای آن تضمین شده است. (عبدی و زمانی، ۱۳۹۶: ۶۷) دیوان اروپایی حقوق بشر، به موضوع نقض حق بر آزادی دین و مذهب (از جمله در خصوص زندانیان)، به عنوان یکی از مسائل مبتلابه شورای اروپا پرداخته است. در خصوص تبیین محدوده‌ی عبارت دین یا اعتقاد مذکور در ماده ۹ فوق‌الاشاره، رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، حاکی از تفاسیری موسع بوده و علاوه بر اعتقادات دینی سنتی (ادیان بزرگ جهان)، شامل عقاید صلح طلبانه، کمونیست‌ها، کافران و اعتقادات منکران وجود خدا نیز می‌شود. تنها فرقی که میان پیروان این عقاید با دینداران سنتی جهان، در رویه دیوان وجود دارد، این است که پیروان عقاید غیرسنتی، بار اثبات دلیل را در اثبات وجود عقاید خود، بر عهده دارند. (زمانی و حسینی آزاد، ۱۳۹۳: ۴۲) همانگونه که گفته شد، به موجب بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، آزادی اظهار یک دین یا عقیده، تنها موضوع محدودیت‌هایی خواهد بود که توسط قانون، برای جامعه‌ای دموکراتیک و به نفع امنیت عمومی، برای حمایت از نظم، بهداشت یا اخلاق عمومی یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران، لازم تشخیص داده شده باشد. بند مذکور، سه شرط و ضابطه اصلی برخورداری دولت‌ها از حاشیه صلاحدید را برشمرده است که عبارتند از: تجویز قانونی، ضرورت‌های یک جامعه دموکراتیک و اهداف مشروع (حمایت از

امنیت، نظم، بهداشت و اخلاق عمومی یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران)، این امر در پرونده چایلد در مقابل انگلستان<sup>۱</sup>، مورد پذیرش کمیسیون وقت اروپایی حقوق بشر واقع گردید؛ در این پرونده شاکی که یک زندانی محکوم به قتل‌های متعدد بود، اغلب اوقات از حضور در خدمات کلیسای زندان محروم می‌شد. استدلال دولت انگلستان در ممانعت از حضور وی، توجیهات امنیتی خاص محیط زندان بود مبنی بر اینکه بیرون رفتن شاکی از سلول، علاوه بر تأثیرات مختل‌کننده، باعث دشواری تأمین امنیت زندان، برای مسئولان آن می‌گردد که این استدلال، مورد پذیرش کمیسیون قرار گرفت. (تمپرن، ۲۰۱۷: ۱۱)

### نتیجه‌گیری

آنچه در رابطه با هر انسان و از جمله زندانی، مهم و اساسی تلقی می‌شود، حقوق بنیادینی است که باید از آن بهره‌مند گردد. حقوق بنیادین، حقوقی است که باید در مورد هر انسانی، در حوزه‌های عمومی و خصوصی زندگی تضمین گردیده و هیچ توجیه قانونی، نمی‌تواند آنها را از این حقوق محروم کند. به بیان دیگر، انسان نباید به عنوان ابزار، مورد سوءاستفاده دیگران قرار گیرد و حفظ شأن و کرامت وی از جمله ضروریات است؛ بنابراین در موقعیت‌های گوناگون از جمله در زندان، بایستی تحت تدابیر حمایتی ویژه قرار گیرد. در غیر این صورت، بقای شخصیت و کرامت وی زیر سؤال می‌رود. حقوق جهانی بشر، هیچ حد و مرزی را برای حقوق زندانی به رسمیت نشناخته و این حقوق، شامل تمامی افراد بازداشت‌شده و محکوم به حبس است.

از آنجا که افراد بازداشت‌شده یا زندانی، بدین دلیل حق آزادی خود را از دست داده‌اند که متهم به عدم رعایت قانون شده‌اند، چنانچه به طور غیرقانونی، بازداشت یا زندانی شوند، تمامی حقوق آنها، بایستی مورد احترام قرار گیرد. البته برخی حقوق مثل حق برخورداری از بعضی آزادی‌های فردی، حق زندگی خصوصی، آزادی جابه‌جایی و آزادی اجتماعات نیز ممکن است در نتیجه زندانی‌شدن فرد، محدود شود؛ لیکن سؤال مهم، این است که آیا سلب آزادی زندانی، می‌تواند به طرز اجتناب‌ناپذیری به سلب دیگر حقوق اساسی او بینجامد یا خیر؟ که در پاسخ بایستی گفت، بازداشت و زندانی شدن و به تبع آن، محرومیت افراد از آزادی، به خودی خود، همان مجازات تلقی شده و مجوزی برای نقض سایر حقوق بنیادین زندانی نیست.

اگرچه، ایجاد شرایط یک زندگی عادی در زندان، غیرممکن است؛ لیکن تمامی تمهیدات برای نزدیک شدن به چنین شرایطی، باید به کار بسته شود. جهت حفظ حقوق افراد زندانی، لازم است

<sup>۱</sup> Childs v. the United Kingdom.



که درهای زندان و دیگر مراکز کیفری سالب آزادی، به روی بازرسان مستقل، گشوده بوده و حق زندگی عادی زندانی و نیز ارتباط وی با جهان خارج، به رسمیت شناخته شود. از لحاظ موازین حقوق بشر، حقوق زندانیان بر یک مجموعه از اسناد منطقه‌ای و کنوانسیون‌های بین‌المللی خاص متکی است که مهم‌ترین آنها در مجموعه قواعد حداقل مقررات استاندارد در رفتار با زندانیان، متجلی است؛ این حقوق، اگرچه به طور عام، برای افراد زندانی، در نظر گرفته شده‌اند، لیکن در سطح اسناد و کنوانسیون‌های فراملی اروپایی، تحت حمایت ویژه و در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر نیز مورد توجه خاص واقع گردیده اند که در این مقاله، مورد تبیین و تحلیل واقع شدند.

### منابع فارسی

آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، نشر سمت، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۷  
 آلمن، آندور، درآمدی بر فلسفه حقوق، برگردان بهروز جندقی، نشر مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۵  
 بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرند آبادی، انتشارات مجد، چاپ هشتم، ۱۳۸۷

جعفری، امین، ایدز و حقوق بشر در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ۲، شماره ۴، ۱۳۸۷.  
 حاجی تبار فیروز جایی، حسن؛ جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران، انتشارات فردوسی، چاپ اول، ۱۳۸۶.

دارابی پناه، شهین، تحلیل آثار حبس بر زندانیان بر اساس قوانین تقلید تارد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، ۱۳۹۱  
 راعی دهقی مسعود، معنا و مبنا شناسی کرامت انسانی؛ با نگاهی بر کرامت سیاسی در آموزه‌های قرآنی، نشریه معرفت سیاسی، سال ۶، شماره دوم، بی‌تا  
 راعی دهقی، مسعود و موسوی، کاوه، حقوق خواهان و خواننده از منظر حقوق بشر، با تأکید خاص بر رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، مجله حقوقی بین‌الملل، شماره ۵۵، پاییز - زمستان ۱۳۹۵.  
 رحیم خویی، الناز و رستم زاد، حسین، تحلیل و نقد عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر در برخورد با ادعاهای نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۶، بهار - تابستان ۱۳۹۶.

رحیمی نژاد اسماعیل، نگرش اسلامی به کرامت انسانی. نشریه معرفت حقوقی. سال ۱. شماره ۲. ۱۳۹۰

رضوانی، سودابه و رمضان زاده، ام البنین و قاسمی پور، سعیده، حقوق بهداشتی، روانی و آموزش پزشکی زندانیان با تأکید بر حقوق معتادان محبوس، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ۴، شماره ۱۵، ۱۳۸۹.

زمانی، قاسم و حسینی آزاد، سید علی، تأملی در برخورد دیوان اروپایی حقوق بشر با ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر پایه پرونده لیلا شاهین، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ۳، شماره ۶، ۱۳۹۳.

صلاحی، سهراب، رفتار با اسیران زندان ابوغریب از منظر حقوق بین‌الملل کیفری، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۱  
عباسی، بیژن، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، (سه نسل حقوق بشر در اسلام، ایران و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای)، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۰.

عبدی، ایوب و زمانی، سید قاسم، حاشیه صلاحدید دولت‌ها در آزادی دین در پرتو رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۹، شماره ۵۵، ۱۳۹۶.  
قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، نشر دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۸۴.

کویل، آندرو، رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان، ترجمه حسن طغرانگار، انتشارات وفاق، ۱۳۸۴.

محمدی الموتی، محسن و جلالی، محمود و شوشتری، مهدی، حق حیات و سلب آن از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل بشر با تأکید بر عملیات انتحاری، دوفصلنامه علمی - پژوهشی انسان‌شناسی دینی، سال ۱۴، شماره ۳۷، ۱۳۹۶.

مظاهری، کیمیا، بررسی رابطه تروریسم و نقض حیات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق، گرایش حقوق بشر، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

معین محمد.. فرهنگ لغت. جلد دهم. چاپ پانزدهم، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۹.

وکیل، امیرساعد، ضمانت اجرای حقوق بنیادین بشر، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.  
همتی، مینو، حقوق زنان زندانی در ایران و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق، گرایش جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه پیام نور، مرکز تهران جنوب، شهریور ۱۳۹۶.

### منابع انگلیسی

- Gary rock, Prisoners' Rights Handbook, first edition, 2009. Available at: [http://www.lewisburgprisonproject.org/prisoners\\_rights\\_handbook\\_2009.pdf](http://www.lewisburgprisonproject.org/prisoners_rights_handbook_2009.pdf)
- J.H. Burgers and H. Danelius, The United Nations Convention Against Torture. A Handbook on the Convention Against Martinus Nijhoff, Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, Dordrecht, 1988
- Garner, Bryan A., Black's Law Dictionary, United States, West, A Thomson business, 2004.
- Georg, partmontm, Human Rights and Prisons, United Nations New York and Geneva, 2005
- Piet Hein van Kempen, Positive obligations to ensure the human rights of prisoners, 2007
- Temperman, Jeroen, Freedom of Religion or Belief in Prison, Oxford Journal of Law and Religion, 2017.